

روش های یاددهی - یادگیری برنامه درسی تلفیقی تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی

رضا غلامیان^۱ * سید احمد هاشمی^۲، علی اصغر ماشینچی^۳، محمد بهروزی^۴

چکیده

هدف از اجرای این پژوهش روش های یاددهی - یادگیری برنامه درسی تلفیقی تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۷ بود. روش پژوهش، آمیخته (کیفی - کمی) از نوع طرح های متوالی - اکتشافی بود. جامعه آماری را متخصصان برنامه درسی و کارشناسان تعلیم و تربیت شاغل در مدارس ابتدایی تشکیل دادند که از بین آنان ۴۰ نفر با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب گردید. با استفاده از روش تحلیل محتوا مدل ترتیبی مایرینگ و نظام مقوله بندی قیاسی در سطح کیفی ۷۰ کد و ۱۸ تم از مصاحبه ها و خلاصه اسناد و مدارک استخراج و با استفاده از روش تحلیل عاملی در فاز کمی مفاهیم استخراج شده به ۱۷ مقوله فرعی و ۶ مقوله اصلی از روش های یاددهی - یادگیری مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده ها در حوزه کیفی بر اساس تحلیل محتوا مدل ترتیبی مایرینگ و نظام مقوله بندی قیاسی و در حوزه کمی روش تحلیل عاملی صورت پذیرفت. نتایج نشان داد که از رویکردهای یاددهی - یادگیری رشد حرفه‌ای استفاده از روش تدریس تلفیقی تربیت اجتماعی کودکان از درجه اهمیت و مورد استقبال بیشتری برخوردار بوده و با استفاده از روش همسال سنجی و نظرخواهی از والدین در ارزشیابی تربیتی فراگیران و اصطلاح روش‌های یادگیری و استفاده از راهبردهای یادگیری مشارکتی، تدریس تیمی، روش‌های حل مسئله، اکتشافی، پروژه، بحث و گفتگو و یادگیری خودهدایتی براساس رویکردهای سازنده گرایی و سایر رویکردهای ارائه شده در الگو و انجام فعالیت‌های شبیه سازی شده، کمترین ارزش را در این عنصر داشته است.

کلید واژه‌ها: روش های یاددهی - یادگیری برنامه های درسی، تربیت اجتماعی، رویکرد تلفیقی، دوره ابتدایی.

۱- دانشجوی دکتری رشته برنامه ریزی درسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

۲- دانشیار گروه برنامه ریزی درسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران (نویسنده مسئول)

۳- استادیار گروه برنامه ریزی درسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

۴- استادیار گروه مدیریت، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

مقدمه

از جمله کارکردهای مقطع تحصیلی ابتدایی می‌توان به نکاتی چون رشد ارزش‌های انسانی در دوره کودکی به واسطه روح مستعد و آماده فراگیر برای آموختن، اشاره کرد که هر فعالیتی مانند نقشی بر سنگ ماندگار باقی بماند و بهترین بهره را برای تجلی ارزش‌ها در کودکان بگیرند. بازنگری در اهداف برنامه درسی دوره ابتدایی و توجه و تأکید بر ترکیب و پیوند دانش‌ها، روش‌ها، مهارت‌ها، ابزارها، چشم‌اندازها و ارتباط دادن برنامه درسی با مسائل زندگی واقعی، علائق، نیازها، توانایی‌های یادگیرندگان و اجرایی کردن اسناد بالادستی آموزش و پرورش در زمینه تلفیق برنامه درسی. ضروری است. هر رفتاری بر مبنای ارزش‌های آموخته شده در کودک ظاهر می‌شود. ورود کودک به دبستان آمیخته با رفتار خاصی است و این وظیفه مدرسه است که این رفتار را تعدیل یا الگوسازی کند و از این طریق است که تطابق رفتارها با ارزش‌های انسانی و الهی امکان پذیر می‌شود بنابراین، برنامه مدارس باید طوری تنظیم شود که در عین پرورش استعدادها و مهارت‌های گوناگون و آماده سازی محیط مناسب برای رشد طبیعی او، وی را یک فرد اجتماعی به بار آورد، طوری که صلاح خود را در صلاح جامعه بداند، و به فکر منافع شخصی و ترجیح اهداف فردی نباشد. «در آغاز قرن بیستم متفکران تعلیم و تربیت در مسیر تلفیق برنامه درسی مبتنی بر تربیت اجتماعی گام نهادند؛ اما روند مسلط در این قرن مبتنی بر رویکرد تک رشته‌ای، تکثر دروس و برنامه درسی رشته محور بوده است. تلفیق به معنای سازگار کردن محتوا است و با تخصصی شدن و جداسازی موضوعات درسی مغایرت دارد. تلفیق، مبتنی بر نگرش کل نگر است که سعی دارد دایره آموزش را با زندگی روزمره فراگیران مرتبط سازد (محمودی، ۱۳۹۰).

از سویی معلمان باید از میان روش‌های گوناگون تدریس بهترین روش را با توجه به زمان، مکان و شرایط آموزشی برگزینند و لازمه این امر آگاهی کافی درباره روش‌های تدریس به‌خصوص خانواده‌های نوین الگوهای تدریس است که شامل ماست. «خانواده پردازش اطلاعات، خانواده الگوهای فردی، خانواده الگوهای اجتماعی و خانواده سیستم‌های رفتاری آنچه امروزه توجه صاحب‌نظران و پژوهشگران را برانگیخته، استفاده از روشهای فعال به جای روشهای غیرفعال و سنتی است. در روشهای تدریس سنتی، معلمان اغلب گوینده اند و از دانش آموزان انتظار دارند که به صحبت‌های آنها گوش دهند. در روشهای یاددهی- یادگیری، مواردی چون روش ارائه دانش، تغییر نگرش و آموزش مهارت‌های مدنظر به فراگیران، روش و میزان مشارکت یادگیرنده در امر یادگیری، چگونگی ارتباط فراگیران با یکدیگر، با محیط، مواد، وسایل و امکانات آموزشی باید مدنظر قرار گیرد (شکاری، ۱۳۹۱).

روش های یاددهی - یادگیری برنامه درسی تلفیقی تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی □ ۱۷

از طرفی در آغاز قرن بیستم متفکران تعلیم و تربیت در مسیر تلفیق برنامه درسی گام نهادند؛ اما روند مسلط در این قرن مبتنی بر رویکرد تک رشته ای، تکثر دروس و برنامه درسی رشته محور بوده است. تلفیق به معنای سازگار کردن و باهم آمدن است و با تخصصی شدن و جداسازی موضوعات درسی مغایرت دارد. تلفیق، مبتنی بر نگرش کل نگر است که سعی دارد آموزش را با زندگی روزمره فراگیر مرتبط سازد. بخش اعظم موفقیت یک نظام تربیت اجتماعی کارآمد در گروه شیوه‌هایی است که برای رسیدن به اهداف تربیتی اتخاذ و به کار گرفته می‌شود. پرورش یافتگانی که در حفظ یکپارچگی جامعه تلاش کنند، در قبال مسائل هم‌نوعان خود احساس مسئولیت نمایند، به مشارکت و همکاری در امور جمعی همت گمارند و در برقراری ارتباط اجتماعی محبت و مودت را سرلوحه کار خویش قرار دهند. «صاحب‌نظران تربیتی با گرایش ایده فرصت، تربیت اجتماعی را فرصتی برابر برای تمامی افراد جامعه می‌دانند و صاحب‌نظران تربیتی با گرایش ارزش‌های اخلاقی و دینی، هدف تربیت اجتماعی را تعلیم رفتارها و ارزش‌های اخلاقی می‌دانند. پاره‌ای دیگر هدف تربیت اجتماعی را تقویت هنر «خوب زیستن» و پرورش «حس مسئولیت» و «مهرورزی» به دیگران می‌دانند. بی‌شک سازماندهی تلفیقی محتوای برنامه درسی، امری مقتضای زمانه است و برای غنای آموزشی، باید مفاهیم و موضوعات درسی در قالب (مضمونی) با یکدیگر تلفیق شوند. برای حصول این امر انتخاب (راهبردهای موضوعی) مناسب و استفاده از آنها، مفاهیم کلیدی این راهبردها در هم می‌آمیزند. صاحب‌نظران حوزه برنامه درسی، رویکردهای مختلفی را در تنظیم محتوا به صورت تلفیقی ارائه کرده اند که هر کدام از آن‌ها با توجه به ابعاد تلفیق دارای مدلهایی هستند که کاربرد آنها را در شرایط خاص خود توجیه می‌نماید (رهنما، ۱۳۹۲). برنامه درسی تلفیقی عبارت است از مجموعه تجربه‌های یادگیری برنامه ریزی شده که نه تنها با نگاهی کلی نگر مجموعه ای از اطلاعات و دانش مشترک را به صورت الگو، نظام ساختار در اختیار یادگیرنده قرار می‌دهند؛ بلکه توانایی یادگیرنده را برای دریافت و یا کشف ارتباط‌های نو افزایش داده و از آن طریق او را به سوی خلق الگوها، نظام‌ها و ساختارهای جدید سوق می‌دهد. تلفیق به معنای کوشش برای ایجاد ارتباط، اتصال و نهایتاً یکپارچگی در تجربیات یادگیری دانش‌آموزان است. از زاویه دیگر می‌توان رویکرد تلفیقی در طراحی برنامه درسی را به معنای فاصله گرفتن از الگوی سنتی برنامه درسی دانست که با اتکاء و ابتناء به حوزه‌های یادگیری مستقل (مواد درسی) موجب پراکندگی و تفرق در تجربیات یادگیری دانش‌آموزان می‌شود (امینی، ۱۳۹۶).

تمامی روابط نسل آینده یک جامعه، متأثر از تربیت اجتماعی است که در عصر حاضر حاکم بر آن جامعه است. در تربیت اجتماعی، فرد از خود محوری گذشته و با خروج از سلطه مدار فردی، هر دو مدار را مورد توجه قرار می‌دهد؛ یعنی هم برای ارزشها و هنجارهای اجتماع ارزش قایل است و هم

برای خویشتن و هیچکدام را فدای دیگری نمی کند. در واقع جامعه واقعیتی اصیل است و فرد تابع جامعه می باشد و لذا تربیت اجتماعی افراد را قادر می سازد با معیارهای مورد قبول جامعه هماهنگ شده و به آن عمل کنند. در تربیت تلفیقی اجتماعی، اصرار بر نهادینه سازی ارزش های اجتماعی در سایه آموزه های چندگانه دینی و فرهنگ بومی و نمودار جهانی است و در فرایند برنامه ریزی درسی در مقاطع ابتدایی، دغدغه مزبور به خوبی مشهود است. واقعیت این است که آهنگ تحولات فکری و فرهنگی این عصر چنان سرسام آور است که اگر گفته شود خانه و مدرسه از آهنگ این تحولات عقب مانده اند، اغراق نیست. از رهگذر فرآیند پیچیده ی تعلیم و تربیت است که شخصیت توانمند و مسئولیت پذیر نسل نو شکل می گیرد (مذبوحی، ۱۳۹۳).

با اتخاذ رویکرد نظام مند در حوزه طراحی برنامه های درسی و با استفاده از منابع و اسناد معتبر ملی و بین المللی، الگوی مطلوب تربیت تلفیقی اجتماعی در حوزه مدارس تدوین می شود. از جمله ویژگی های این الگو می توان به بومی بودن، توجه به ویژگی های مخاطبان، علمی بودن، سادگی، بدیع بودن، نگاه تربیتی، و رویکرد فعال در آموزش و یادگیری اشاره کرد. البته به کارگیری این الگو مستلزم توجه به مواردی است که از آن جمله می توان به داشتن یک نگرش سیستمی به آموزش چند فرهنگی، تربیت معلمان و توجه به مسائل ساختاری و سازمانی اشاره کرد. نمودار مدل مفهومی ذیل، به نحوی طراحی گشته که به ارزیابی و اعتباربخشی مفهوم تربیت اجتماعی در دایره برنامه درسی بیانجامد. بنابراین سؤال اصلی در این تحقیق به این صورت مطرح است که روش های یاددهی - یادگیری برنامه درسی تلفیقی تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی چگونه ترسیم می گردد؟

مبانی نظری

روش های یاددهی - یادگیری

بدون شک همه ی پیشرفت های شگفت انگیز دنیای کنونی زاده ی یادگیری انسان است. محیط و آنچه در آن است، پیوسته در معرض تغییر قرار دارد و انسان نیز برای هماهنگ شدن با آن تغییرات و یا برای مقابله و مبارزه با آنها، برای درک چگونگی تغییرات و ارائه راه حل های مناسب، برای سازگاری و برای ادامه زیست، پیوسته در کوشش و تلاش برای یادگیری و افزودن بر دانشها و تجارب خویش است. واقعیت آن است که انسان با یادگیری و از طریق آن می زید و توانایی ادامه زیست پیدا می کند. انسان از طریق یادگیری رشد فکری پیدا می کند، فضیلت می یابد و در کل به رشد تفکر بشر کمک می کند همه پیشرفتهای بشری نتیجه یادگیری انسان است. معلّم با استفاده از مجموعه آموخته های شناختی خویش درباره طبیعت یادگیرنده (دانش آموز)، فلسفه و هدفهای تعلیم و

روش های یاددهی - یادگیری برنامه درسی تلفیقی تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی □ ۱۹

تربیت، اول و قوانین یادگیری و چگونگی استفاده از آنها در کلاسهای درس، روشها و شیوه های علمی گردآوری و کاربرد دانشها، روشهای سنجش استعدادها و بررسی تواناییها، روش های ایجاد انگیزش، تقویت و بازخورد مناسب، روشهای شناخت و کنترل عواطف، هیجان ها و بسیاری دانسته های دیگر، محتوای تدریس خویش را طراحی می کند. همچنین با استفاده از بهترین شیوه های ارائه مطلب و استفاده بهینه از امکانات مناسب، فرآیند یاددهی - یادگیری را هدایت می کند (جوادی پور، ۱۳۹۲).

اهتمام برنامه ریزی درسی نوین به اصل تلفیق

اهمیت ترکیب هوشمندانه دروس و تلفیق محتوایی در ارتقای کیفیت آموزش بر کسی پوشیده نیست. نزدیک به سه دهه است که جدال اندیشه ای برسر مفهوم سازی، درک و کاربرست مطالعات میان رشته ای در برنامه درسی همچنان ادامه دارد. در ادبیات نوپای برنامه درسی تلفیقی عمدتاً اصطلاح میان رشته ای معادل همه رویکردهای رشته ای اعم از چند رشته ای، بین رشته ای و فرارشته ای بکار می رود. میان رشته ای با پیشرفت های برجسته در زمینه تولید دانش و راه حل یابی برای رفع مسایل فوری اجتماعی و تجربیات آموزشی یکپارچه پیوند و ارتباط دارد (جوادی پور، ۱۳۹۲). از دیدگاه متخصصان تدوین اهداف، انتخاب محتوا و همچنین انسجام تجربیات فراگیران از طریق ارائه برنامه درسی به صورت تلفیقی، امری معنادار است. در طول زمان نظام های درون رشته ای، مهم ترین سهم و نقش را در آموزش داشته اند. علیرغم انتقاداتی که به این شیوه سازماندهی وارد ساخته اند. اما بخش اعظم برنامه های درسی مدارس و دانشگاهها در دنیا، بر این اساس طراحی می شده و اکنون نیز پا برجاست (احمدی، ۱۳۸۹). گسترش سریع دانش و اطلاعات، پراکندگی برنامه های درسی سنتی، عدم ارتباط آن با واقعیتهای زندگی شخصی و اجتماعی یادگیرندگان و عواقب ناگوار برنامه های درسی موجود، موجب توجه هر چه بیشتر به مقوله تلفیق برنامه های درسی شده است. با وجود نظام برنامه درسی سنتی، هرگز بین محتوای برنامه درسی و زندگی واقعی دانش آموز رابطه موثر به وجود نمی آید اجرای برنامه درسی تلفیقی، این نظریه را تأیید نموده است که این رویکرد، دانش آموزان را برای یادگیری بهتر و مداوم برمی انگیزد و قابلیت های لازم برای زندگی در قرن بیست و یکم را در آنان پرورش می دهد. آموخته های شاگردان در مسائل زندگی شان به کار نمی آید و هیچ کمکی در حل مسائل زندگی به آنها نمی کند و در زمینه تربیت دانش آموز، رشته های علمی نقشی جز وسیله بودن ندارند، زیرا مسائل اجتماعی از کلیت برخوردارند، لذا باید کلی نگریده شونده اعتقاد اندیشمندان، برنامه درسی تلفیقی پیش نیاز تحقق توسعه پایدار است و تلفیق می تواند محتوا محور یا مهارت محور باشد. مهم این است که در برنامه درسی، نکات مثبت تلفیق جدی گرفته شود (ملکی، ۱۳۹۱).

بی شک سازماندهی تلفیقی محتوای برنامه درسی، امری مقتضای زمانه است و برای غنای آموزشی، باید مفاهیم و موضوعات درسی در قالب (مضمونی) با یکدیگر تلفیق شوند. برای حصول این امر انتخاب (راهبردهای موضوعی) مناسب و استفاده از آنها، مفاهیم کلیدی این راهبردها در هم می آمیزند. صاحب نظران حوزه برنامه درسی، رویکردهای مختلفی را در تنظیم محتوا به صورت تلفیقی ارائه کرده اند که هر کدام از آن ها با توجه به ابعاد تلفیق دارای مدلهایی هستند که کاربرد آنها را در شرایط خاص خود توجیه می نماید (زرافشان، ۱۳۸۷). فرد در دنیای واقعی یک بعدی نیست و دارای ابعاد و نیازهای مختلف است و رشد ناموزون یک بعد فرد را داخل یک گودال عمیق فرو می برد که سایر ابعاد تماشاگر آن هستند، «بنابراین به منظور پاسخ گویی به نیازهای فرد و جامعه و رهایی از اثرات رویکرد سنتی، باید به رویکردی در برنامه‌ی درسی روی آورد که بجای موضوعات جزئی، به موضوعات کلی پرداخته باشد؛ به گونه ای که این موضوعات دربرگیرنده ی مسائل مهم و مورد نیاز فرد و جامعه باشد و همزمان دربرگیرنده ی چند نظام رشته‌ای باشد؛ یعنی به یک موضوع مورد علاقه ی فرد و جامعه از دیدگاه علوم مختلف پرداخته شود و بجای تأکید روی روش‌های سنتی تدریس و یادگیری، روی شیوه‌های تدریس و یادگیری نوین مثل رویکرد حل مسئله و پروژه که فراگیران را با ابعاد مختلف یک موضوع و مسئله‌ی پیچیده‌ی درهم تنیده مواجه می‌کند، تأکید می‌شود. تحقق چنین امری تا حدی از طریق رویکرد تلفیقی میسر خواهد بود؛ چون در این رویکرد، آموزش بر محور واقعیت‌های زندگی فردی و اجتماعی تنظیم می‌شود. به بیانی دیگر وحدت میان علوم، اجرای رویکرد تلفیقی را ضروری ساخته است» (پیغامی، ۱۳۸۹).

روش پژوهش

هدف کلی پژوهش حاضر، روش های یاددهی - یادگیری برنامه درسی تلفیقی تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی بوده است. روش این پژوهش آمیخته یا ترکیبی (کیفی - کمی) از نوع طرح های متوالی - اکتشافی است. جامعه آماری این پژوهش متخصصان برنامه درسی و کارشناسان تعلیم و تربیت شاغل در مدارس ابتدایی است. حجم نمونه ۴۰ نفر از متخصصان برنامه درسی و کارشناسان حوزه تعلیم و تربیت شاغل در مدارس ابتدایی بودند که با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای صورت گرفت. با استفاده از روش تحلیل محتوا مدل ترتیبی مایرینگ و نظام مقوله بندی قیاسی در سطح کیفی ۷۰ کد و ۱۸ تم از مصاحبه ها و خلاصه اسناد و مدارک (شامل گزارش های پژوهشی و فرم های مربوطه) استخراج و با استفاده از روش تحلیل عاملی در فاز کمی مفاهیم استخراج شده به ۱۷ مقوله فرعی و ۶ مقوله اصلی از روش های یاددهی - یادگیری مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند. در بخش کمی، جمع آوری داده ها بر اساس یک پرسشنامه محقق ساخته که میان ۲۶۳ نفر از دبیران علوم اجتماعی توزیع

روش های یاددهی - یادگیری برنامه درسی تلفیقی تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی □ ۲۱

گردید، که ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۷۸ به دست آمد و روایی صوری و محتوایی آن با استفاده از نظر متخصصان تایید شد. تجزیه و تحلیل داده ها در حوزه کیفی بر اساس تحلیل محتوا مدل تربیتی مایرینگ و نظام مقوله بندی قیاسی و در حوزه کمی روش تحلیل عاملی صورت پذیرفت. داده های مورد نیاز با "بررسی اسناد" و "مصاحبه" جمع آوری شد. ۳ جلد کتاب و ۱۱ عنوان مقاله به صورت هدفمند انتخاب شد و مورد مطالعه قرار گرفت و با ۲۲ نفر زن و ۲۵ نفر مرد مصاحبه نیمه ساختاریافته ای انجام شد. هر مصاحبه به طور متوسط ۶۰ دقیقه به طول انجامید. مطالعه اسناد و انجام مصاحبه ها بر اساس اشباع اطلاعاتی پژوهشگر انجام شد. در بخش مصاحبه یادداشت برداری شد و سپس بر اساس تشابهات با کدبندی اولیه و متمرکز، کدهایی به موارد مشابه اختصاص پیدا کرد و تبدیل به مقولاتی شدند که هدف اصلی پژوهش بودند.

یافته های پژوهش

- روش های یاددهی - یادگیری برنامه درسی تلفیقی تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی چگونه ترسیم می گردد؟

به منظور پاسخ گویی به سوال فوق، از روش تحلیل محتوای قیاسی (کل به جزء) استفاده شده است. بر اساس گزاره های حاصل از تحلیل مضمونی، در جدول ذیل مهمترین گزاره ها ارائه گردید.

جدول ۱ روش های یاددهی - یادگیری برنامه درسی تلفیقی تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی

مؤلفه اصلی	تحلیل متن
اثر بخشی روشهای ترکیبی یادگیری	«یادگیری ترکیبی راهکار میانی بین آموزش مدرس محور یا همان آموزش سنتی و آموزش مجازی فراگیر محور است. در نتیجه آموزش ترکیبی بهترین فرمت یادگیری روشمند را ارائه میدهد.» (انصاری، ۱۳۸۰) با توجه به ماهیت آموزش، پویایی آن، نوع محتوا و غیره شما می توانید این دو روش (آموزش مجازی و سنتی) را ترکیب کنید که به شما کمک می کند تا قواعد یادگیری را به بهترین نحو برآورده کنید. راهکار های یادگیری ترکیبی را می توان در فرمت های مختلف ارائه داد. هر کدام از این روش ها، ارزش منحصر به فردی را به ما ارائه می دهند. شتاب در اتخاذ رویکرد یادگیری ترکیبی نسبت به آموزش سنتی مدرس بستگی به فراگیران و نیز پویایی بیشتر سازمان ها دارد. فراگیران خواستار انعطاف پذیری بیشتری در نحوه ی یادگیری خود هستند و آنها می خواهند که ترکیبی از آموزش سنتی و آموزش آنلاین وابسته به سرعت فراگیر داشته باشند که هر زمان که فراگیر خواست بتواند از دوره آموزشی بیرون برود. چالش های مربوط به بودجه ها، مدرسان محدود و نیاز به رسیدن به مخاطبان گسترده در کوتاه مدت دلایلی هستند که سازمانها در حال پیاده سازی روش آموزش ترکیبی هستند.

تحلیل متن	مؤلفه اصلی
<p>امروزه از اطلاعات به عنوان عامل اصلی کسب قدرت یاد می شود و تسلط واقعی، تسلط اطلاعاتی بشمار می آید. مهمترین مشخصه جوامع قدرتمند، در اولویت قرار دادن عنصر اطلاعات بحساب می آید. این امر تا جایی پیش رفته است که جوامع حاضر را جوامع اطلاعاتی، و زمان معاصر را عصر اطلاعات نامیده اند. در برنامه تلفیقی دروس، اطلاعات ترکیبی به صورت مستقیم عرضه شده و محدودیت ها در این عرصه وجود ندارد. به دلیل وجود محدودیت های انسانی در پردازش اطلاعات، شیوه های جدیدی برای غلبه بر این محدودیت ها و کمک به تصمیم گیرندگان به وجود آمده اند. یکی از این روش ها استفاده از شکل ارائه اطلاعات می باشد. اهمیت بالای تأثیر قالب نمایش اطلاعات در رفتارهای تصمیم گیرانه افراد باعث افزایش تحقیقات در این زمینه شده است.</p>	<p>عرضه مستقیم اطلاعات در روند یادگیری ترکیبی</p>
<p>نظر به اهمیت چرخش از کنترل بیرونی به تربیت خویشتن، به منزله یک ارزش محوری در ساحت تربیت دینی - اعتقادی - اخلاقی، تعیین منطق و محتوای یادگیری روشمند برنامه درسی آموزش ارزش خویشتن بانی از اهمیت زیادی برخوردار است. به منظور ایضاح مفهوم خویشتن بانی با روش تحلیل مفهومی از یک سو و مطالعه سنتز پژوهانه مبانی نظری از سوی دیگر دیدگاه دو حوزه دین و روانشناسی در این زمینه تلفیق سازوار این دو منظر در سطح سخت هسته و به مدد روش ترکیبی بسیار ضروری است. منطق و چرایی آموزش خویشتن بانی صرفاً درون دینی نبوده و در اقتضات وجودی انسان و لزوم برخورد آگاهانه وی با آنها نهفته است. محتوای برنامه نیز با توجه به استلزامات خویشتن بانی، در دو محور اصلی خودشناسی و مراقبت از خویشتن پیشنهاد شده است. برای سازماندهی محتوا بر رویکرد تلفیقی تأکید شده است. این الگو در قالب دو مدل الف) تلفیق بر محور موضوعات و مضامین برآمده از مفهوم خویشتن بانی (به عنوان یک موضوع درسی مجزا و به صورت یک درس مستقل) و ب) تلفیق موضوعات و مضامین برآمده از مفهوم خویشتن بانی برای برقراری ارتباط با دروس دیگر ارائه شده است.</p>	<p>تربیت محوری در یادگیری مضامین درسی</p>

با توجه به جدول فوق و محتوای ماخوذه از تحلیل متون پژوهش، سه مؤلفه اصلی در روش های یاددهی - یادگیری برنامه درسی تلفیقی تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی عبارتند از: ۱- اثربخشی روشهای ترکیبی یادگیری ۲- عرضه مستقیم اطلاعات در روند یادگیری ترکیبی ۳- تربیت محوری در یادگیری مضامین درسی.

جدول ۲ زیرمؤلفه اصلی محتوای برنامه درسی تلفیقی تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی

مفاهیم	زیر مؤلفه اصلی
<p>یادگیری شناختی یا چاشنی اخلاق احترام یادگیرنده به ارزشهای تعلیم و تربیت توجه به الگوهای خلاق در یادگیری فعال تنوع سبک برنامه یادگیرندگان در روند تدریس بهره گیری از یادگیری محیطی و فوق برنامه اعتبار یادگیری الکترونیکی و کریستالی در تربیت</p>	<p>معیارهای اصلی</p>
<p>گرایش به استفاده از عناصر فرهنگی در یادگیری اهتمام به تعلیم و تربیت مکتبی و ایدئولوژیک حرکت به سمت یادگیری مدرن و هوشمند کاربست الگوهای آموزش تلفیقی در مدارس ابتدایی توازن میان استعداد و بهره هوشی یادگیرندگان تقویت الگوهای سازمانی یادگیری امروزی بهره گیری از قالبهای گوناگون تربیت اجتماعی</p>	<p>معیارهای فرعی</p>
<p>تعادل بین تجربه‌های حضوری و دیجیتال در یادگیری تلفیقی مدل تفکر انتقادی در یادگیری ارزشی استفاده حداکثری از ابزارهای صوتی و تصویری در روند یادگیری قالب تفکر سیستمی در یادگیرندگان مدرن اهمیت دادن به یادگیری رفتارگرا در آموزش و پرورش توجه محض به قالبهای انفرادی یادگیری تحول و بازسازی ذهنی ساختارها نمادها و نشانه های یادگیری تربیتی ترکیب چند مبحث درسی با هم و مرتبط ساختن آنها با دانش و تکنولوژی روز بهره گیری از ابزارهای چند رسانه ای در برنامه درسی</p>	<p>معیارهای سیستمی</p>

با توجه به جدول فوق و محتوای ماخوذه از تحلیل متون پژوهش، زیرمؤلفه اصلی محتوای برنامه درسی تلفیقی تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی دارای ۶ زیرمؤلفه اصلی، ۷ معیار فرعی و ۱۰ معیار فرعی سیستمی می باشد.

بحث و نتیجه گیری

در باب پاسخگویی به این سوال مبنی بر اینکه روش های یاددهی - یادگیری برنامه درسی تلفیقی تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی چگونه ترسیم می گردد؟

آنچه در مقام پاسخ به سوال مذکور می توان گفت اینکه: روش های یاددهی - یادگیری مناسب برای پرورش و تقویت شایستگی های یادگیری مادام العمر در برنامه درسی از اهمیت وافری برخوردار است. پیش بینی گونه های تعامل میان روشهای یاددهی - یادگیری با برنامه تلفیقی دروس، شامل تنوعی از روش های یادگیری چهره به چهره، آموزش از دور سنتی و نوین با دو بعد دیگر آن یعنی محتوی و شایستگی های قابل کسب و تعمیق در مدرسه و زمینه های فراشناخت در یادگیری را به عنوان ضرورتی برای مدیریت دانایی در رویارویی با پدیده تغییر در همه سطوح برنامه درسی فراهم خواهد ساخت. به باور کارشناسان، آموزش به کودکان یک فرایند تعاملی، دو طرفه و پویاست و یادگیری کودکان نتیجه تعامل کودک و مربی و برخاسته از تجربه های یادگیری کودکان است. در سند وزارت آموزش و پرورش ایران (۱۳۸۹) برای دوره پیش از دبستان روش تدریس فعال پیشنهاد شد. اما بر اساس اصول نوین آموزش، در دوره پیش از دبستان به جای استفاده صرف از یک روش مشخص، باید از شیوه های چندگانه روشهای یاددهی - یادگیری استفاده می شود. برای انتقال مفاهیم ارزشمند اجتماعی در بسیاری از دروس دبستانی می توان از روش تلفیقی استفاده و تدریس کرد؛ در این صورت، مدرسانی که در آموزش و پرورش یا بهزیستی هستند اگر با هم همکاری داشته باشند، روش هایی را که سر کلاس تدریس می کنند با مربیان دیگر هماهنگ کنند.

همه ی پیشرفت های شگفت انگیز دنیای کنونی زاده ی یادگیری انسان است. محیط و آنچه در آن است، پیوسته در معرض تغییر قرار دارد و انسان نیز برای هماهنگ شدن با آن تغییرات و یا برای مقابله و مبارزه با آنها، برای درک چگونگی تغییرات و ارائه راه حل های مناسب، برای سازگاری و برای ادامه زیست، پیوسته در کوشش و تلاش برای یادگیری و افزودن بر دانشها و تجارب خویش است. واقعیت آن است که انسان با یادگیری و از طریق آن می زید و توانایی ادامه زیست پیدا می کند. انسان از طریق یادگیری رشد فکری پیدا می کند، فضیلت می یابد و در کل به رشد تفکر بشر کمک می کند. همه پیشرفتهای بشری نتیجه یادگیری انسان است. در ارائه محتوا و پیام مناسب تربیتی، کودکان نیازمند روش هایی هستند که با آنها بتوانند به تجربه کافی در زمینه مربوطه برسند و استفاده مدرسان از روش های سنتی و معلم محور موجب شده که فراگیران با وجود حضور در کلاس ها و کسب دانش درباره روش ها، چگونگی استفاده و زمان استفاده از آنها را ندانند و این خود به یک مشکل اساسی در این زمینه تبدیل شده است. قالب یاددهی مفهوم تربیت اجتماعی باید برای آموزش بیشتر

روش های یاددهی - یادگیری برنامه درسی تلفیقی تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی □ ۲۵

کودکان از روش های فعال استفاده کند. به باور کارشناسان، برای انتقال مفاهیم ارزشمند اجتماعی در بسیاری از دروس دبستانی می توان از روش تلفیقی استفاده و تدریس کرد؛ مثلاً درس ریاضی را با نقاشی، بازی یا علوم هم تدریس کرد. در این صورت، مدرسانی که در آموزش و پرورش یا بهزیستی هستند اگر با هم همکاری داشته باشند، روش هایی را که سر کلاس تدریس می کنند با مربیان دیگر هماهنگ کنند. از سویی روش های فعال و پر جاذبه اثرگذاری بیشتری روی فراگیران دارد و برای آموزش مفاهیم تربیتی در جامعه باید کمتر از روش های سخنرانی استفاده شود. همچنین باید واحدهای عملی برای فراگیران گذاشته شود تا بتوانند خودشان این روش ها را به کار ببندند و استفاده در لحظه را بیاموزند. آنها می توانند برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه از تجربیات مربیان متبحر استفاده کنند و در نقش کارآموز در کلاس های آنها حضور یابند و از راهنمایی های آنها استفاده کنند. نتایج مذکور با یافته های جعفری (۱۳۹۳)، دهقانی (۱۳۹۰)، زرافشان (۱۳۸۷)، و ماهرزاده (۱۳۹۴) همخوانی نسبی و انطباق دارد.

در بحث محدودیت های پژوهش می بایست بیان نمود که از آنجایی که این پژوهش در دوره ابتدایی انجام شده است برای افزایش میزان اعتبار و قابلیت تعمیم نتایج، انجام پژوهش های مکمل لازم و ضروری به نظر می رسد. همچنین در بحث پیشنهادهای پژوهش می بایست بیان داشت که برنامه ریزان درسی و مؤلفان کتب درسی تمامی ابعاد و مؤلفه های ترسیم شده در اسناد بالادستی را لحاظ نموده و مؤلفه هایی که در تربیت اجتماعی در دوره ابتدایی مغفول مانده است را بگنجانند و در آموزش این مؤلفه ها اهتمام ورزند.

منابع

- امینی، محمد، مسیب، زهرا. (۱۳۹۶). اهمیت برنامه درسی تلفیقی در فرایند یادگیری پنجمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران.
- احمدی، پروین. (۱۳۸۹). طراحی الگوی برنامه درسی تلفیقی و مقایسه آن با برنامه های درسی موجود دوره ابتدایی در نظام آموزشی ایران، پایان نامه دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
- پیغامی، عادل. (۱۳۸۶). درآمدی بر طراحی برنامه های درسی با تاکید بر رویکردهای تلفیقی، مجله پژوهش در برنامه ریزی درسی زمستان، دوره ۱۱، شماره ۲۳.
- جوادی پور، محمد، حکیم زاده، رضوان، ابدی، فاطمه. (۱۳۹۲). نشریه برنامه ریزی درسی، شماره ۳۸.
- جعفری، علیرضا. (۱۳۹۳). تأثیر بازی های آموزشی بر رشد اجتماعی کودکان پیش دبستانی، مجله روانشناسی تربیتی، دوره ۱۰، شماره ۳۳ صفحه ۷۱-۸۵.
- دهقانی، مرضیه (۱۳۹۰). طراحی الگوی مطلوب (جایگزین) برنامه درسی تربیت اجتماعی برای دوره راهنمایی تحصیلی ایران، رساله دکتری دانشگاه مشهد.
- رهنما، اکبر؛ بیخونند، فرامرز؛ خداینده لو، عباس. (۱۳۹۲). بررسی میزان انطباق محتوای کتاب «دین و زندگی» سال سوم متوسطه با اهداف مصوب، منبع: مطالعات روانشناسی تربیتی (دانشگاه سیستان) سال چهارم شماره ۶.
- زرافشان، علی. (۱۳۸۷). برنامه ریزی درسی تلفیقی، چشم اندازها، نشریه رشد تکنولوژی آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش، شماره ۱۴۲.
- شکاری، عباس. (۱۳۹۱). تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارتهای اجتماعی دانش آموزان. فصلنامه راهبردهای آموزش، ۵، ۳۷-۳۱، (۱).
- مذبحی، سعید. (۱۳۹۳). طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت اجتماعی مبتنی بر قرآن و روایات در دوره ابتدایی. مجموعه مقالات دومین کنگره علوم انسانی.
- ماهروزاده، طیبه و نورآبادی، سولماز. (۱۳۹۴). تلفیق علم و تکنولوژی در برنامه درسی دوره ابتدایی، نشریه پژوهش های تربیتی، جلد ۱، شماره ۲۹.
- محمودی، محمدتقی. (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کتاب های درسی تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی از منظر نوع رویکرد آموزش شهروندی، پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال هشتم، شماره ۱.
- مذبحی، سعید. (۱۳۹۳). طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت اجتماعی مبتنی بر قرآن و روایات در دوره ابتدایی. مجموعه مقالات دومین کنگره علوم انسانی.
- ملکی، حسن؛ علی دلاور؛ غلامعلی احمدی؛ محسن حاجی تبار فیروزجائی. (۱۳۹۱). «بررسی میزان همخوانی برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده مطالعات اجتماعی روان شناسی تربیتی، شماره ۲۷،